

خبرها

تهرانی و آهنگرانی در فیلم جدید حکمت

سینمای ما : منیرهٔ حکمت کارگردان سینمای ایران در حال تدارک دومین فیلم خود است که هنوز عنوان آن قطعی نشده است. تاکنون حضور هدیه تهرانی پگاه آهنگرانی و مریم یوبانی دراین فیلم قطعی شده است. موضوع این فیلم دربارهٔ ایران و رابطه سه نسل ایرانی است و به گفتهٔ حکمت می‌توان این فیلم را فیلمی دانست که به هویت تاریخی می‌پردازد. فیلمانه این فیلم براساس طرحی از حکمت توسط خود او و نغمه ثمنی در حال نگارش است و بامدادفیلم تهیه‌کننده فیلم حکمت است.

مخملیاف: بار دیگر در افغانستان

سینمای ما : محسن مخملباف اواسط فروردین به افغانستان رفته تا نوشتن فیلمنامه تازه خود را آغاز کند که قرار است آنجا ساخته شود. ساخته پیشین مخملباف «فریاد مورچه‌ها» توسط شرکت فرانسوی وایلد پانچ عرضه جهانی شده است. فیلم «صدلی» فیلم کوتاه دیگری از مخملباف است که در هند فیلمبرداری شده.

این فیلم که مدت آن هشت دقیقه است و به صورت سی و پنج میلی‌متری در کشور هند فیلمبرداری شده دارای تمی فلسفی بوده و قصه آن درباره گفت‌وگوی مردی با خداست. «جنسیت و فلسفه» فیلم قبلی این فیلمساز که محصول کشور تاجیکستان است، در سطح جهان موفقیتی کسب نکرد و با انتقادهای زیادی روبه‌رو شد.

کنسرت گلزارو حیایی، شهروید تهران



سینمای ما : سال گذشته اخباری منتشر شد که امین حیایی تصمیم دارد در روزهای آخر دی در تهران کنسرت بدهد گویا بالاخره با گروه موسیقی حیایی موافقت شده و در شهروید مراه قرار است کنسرت گلزار، حیایی و نواب صفوی در تهران برگزار شود. . . . امین حیایی چند سال پیش در گفت وگویی با ماهنامه فیلم از تصمیم خود به تشکیل یک گروه موسیقی خبر داده بود. محمدرضا گلزار نیز که از هفته آینده با آخرین ساخته تهیینه میلانی پس از مدت‌ها بر پرده سینماهای می‌آید پیش از این عضو گروه آریان بوده است.

موتمن و کلید جعبه موسیقی

الینا: فیلم سینمایی «جعبه موسیقی» به کارگردانی «فرزاد موتمن» تابستان امسال جلوی دوربین خواهد رفت. «محمد خزان» تهیه‌کننده این فیلم با اعلام این مطلب گفت: «با توجه به صدور پروانه ساخت به زودی پیش‌تولید این کار را آغاز خواهیم کرد»

«جعبه موسیقی» کار بسیار متفاوتی خواهد بود و امیدوارم که حاصل زحمات کار خوبی شود. خرابی یا اشاره به نگارش فیلمانه این کار تاکید کرد: فیلمانه «جعبه موسیقی» دوازده بار بازنویسی شد و مسعود فراستی، امیدروحانی و سعید حقیقی نگارش فیلمانه را بر عهده داشتند که با توجه به محتوا و موضوع فیلم و حضور بازیگران نوجوان در جلسه‌ای که با فراد موتمن خواهیم داشت برای زمان فیلمبرداری انتخاب عوامل به جمع بندی خواهیم رسید.

احمدرضا درویش: دومین فیلم پرهزینه

سینمای ما : احمدرضا درویش «ابتدای تابستان فیلم تازه‌اش را جلوی دوربین خواهد برد. این فیلم با همکاری سازمان گسترش و نوسازنی وزارت صنایع و معادن و شرکت خودروسازی سایپا تولید می‌شود. گویا فیلم تازه

درویش همانند آخرین ساخته اش دولت جزء پرخرج‌ترین آثار سینمای ایران خواهد بود. لازم به ذکر است، فیلم دولت با هزینه حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ساخته شد که حدود ۷۰۰ میلیون تومان در گیشه فروش داشته است. براساس این گزارش اکثر عوامل تولید «دولت» در درویش را در کار تازه‌های همراهی می‌کنند.

امینی: هفت انگشت بر ماشه، شش شلیک

سینمای ما : گویا علیرضا امینی فیلمبردار فیلم جدید خود را در خبر و سر و صدا و در سکوت کامل به پایان رسانده است. طبق اخبار رسیده وی قصد داشت کمدی «چشمات در بیند و شلیک کن» را با حضور بازیگران حرفه‌ای و

ستاره‌های سینما بسازد، اما این فیلم تازه را بدون حضور ستاره‌ها و با افراد آماتور ساخته است. در خلاصه داستان این فیلم امینی چنین آمده است: «دو راه برای زندگی وجود دارد؛ راه اول، زندگی با این تفکر که هیچ معجزه‌ای نیست. راه دوم، با این تفکر که همه زندگی معجزه است (آلبرت اینشتین). ساعت ۷ و پنج دقیقه بعدازظهر، هفت انگشت بر ماشه، شش تیر شلیک می‌شود و هفتمی نه. . . .

گفت‌وگو با یک لنج به ظاهر سنتی می‌گذاریم. کافی‌شاپی با دکور مدرن در قلب یک مجتمع تجاری. دورمان نه دریا است و نه جاشوهای که پارو بزنند. تا چشم کار می‌کند بوتیک و لباس و دختر، پسرهایی که درون این لنج، هات‌شاکلت موز و کاپوچینو می‌خورند. محور گفت‌وگو تقابل سنت و مدرنیته است، محدودیت‌ها و امکاناتی که هر یک بر دیگری می‌تواند داشته باشد. حین گفت‌وگو حسن فتحی چند بار به دستگاه ضبط دیجیتالی من اشاره می‌کند که مثلاً این امکانات مدرن چقدر کار و ارتباط ما را راحت‌تر کرده، فارغ از اینکه چند روز بعد از این مصاحبه به همراه چند گفت‌وگوی دیگر که آنها را از روی این دستگاه لمتی پیاده نکرده‌بودم، بی‌هیچ دلیل منطقی پاک شد. از فتحی به دلیل اینکه در تنظیم مجدد این گفت‌وگو کمکم کرد ممنونم، گو اینکه دیگر آن حس «برداشت اول» را نداشت.

قرار گفت‌وگو را در یک لنج به ظاهر سنتی می‌گذاریم.

کافی‌شاپی با دکور مدرن در قلب یک مجتمع تجاری. دورمان نه دریا است و نه جاشوهای که پارو بزنند. تا چشم کار می‌کند بوتیک و لباس و دختر، پسرهایی که درون این لنج، هات‌شاکلت موز و کاپوچینو می‌خورند. محور گفت‌وگو تقابل سنت و مدرنیته است، محدودیت‌ها و امکاناتی که هر یک بر دیگری می‌تواند داشته باشد. حین گفت‌وگو حسن فتحی چند بار به دستگاه ضبط دیجیتالی من اشاره می‌کند که مثلاً این امکانات مدرن چقدر کار و ارتباط ما را راحت‌تر کرده، فارغ از اینکه چند روز بعد از این مصاحبه به همراه چند گفت‌وگوی دیگر که آنها را از روی این دستگاه لمتی پیاده نکرده‌بودم، بی‌هیچ دلیل منطقی پاک شد. از فتحی به دلیل اینکه در تنظیم مجدد این گفت‌وگو کمکم کرد ممنونم، گو اینکه دیگر آن حس «برداشت اول» را نداشت.

چطور شد پس از سال‌ها فعالیت در عرصه تلویزیون بالاخره تصمیم گرفتید وارد سینما شوید؟

از سال‌های جوانی آرزو داشتم کار سینمایی انجام دهم. اما اینکه چرا دیر این اتفاق افتاد برمی‌گردد به بازی‌های تقدیر و موقعیت‌هایی که برایم پیش آمد. من کارم را با تئاتر شروع کردم و به توازی تحصیل در رشته روانشناسی در حوزه بازیگری و کارگردانی تئاتر فعالیت می‌کردم. سال‌ها کار نمایش انجام دادم و اوایل دهه ۷۰ بود که به تلویزیون رفتم که با چند تله‌تئاتر همراه شد مانند معمای یک قتل، سوءتفاهم و . . . نهایتاً بعد از چند سال ورود من به دنیای سریال‌سازی بود که ۱۶- ۱۵ سال عمر را پر کرد. زمانی که به جد تصمیم گرفتم وارد سینما شوم نسخه اولیه «شب‌دهم» را نوشتم. اولین نسخه «شب‌دهم» را که نوشتم مصادف شد با تغییر و تحول در حوزه هنری که قصدم این بود با آنها این فیلم را بسازم.

پس چطور تبدیل به سریال شد؟

نیت اول من ساخت فیلم سینمایی بود و قرار نبود که سریال «شب‌دهم» را بسازم. با اتفاقاتی که افتاد و مدت زمانی که فعالیت‌های سینما در حوزه تعطیل شده بود این فیلمنامه در دست من بود تا اینکه تهیه‌کننده «ماهلصدا» وقتی در جریان نوشته شدن این فیلمنامه قرار گرفت پیشنهاد کرد که این متن را با تلویزیون مطرح کنیم.

چرا فیلمنامه را به تهیه‌کننده دیگری پیشنهاد نکردید؟

احساسم این بود که فیلمنامه‌ای نیست که بخش خصوصی بخواهد روی آن سرمایه‌گذاری کند و بهتر است که از طرف یک نهاد سینمایی حمایت شود. این احساسی بود که آن موقع داشتم. با توجه به اینکه کار برخوردار از یک تم مذهبی بود فکر کردم جریان رایج سینمایی تمایل ندارد که فیلم را تولید کند. بنابراین تنها جایی که مناسب دیدم حوزه بود. وقتی هم با شبکه یک مطرح کردم باز هم به عنوان یک کار سینمایی صحبت شد. آنها استقبال کردند و گفتند که ظرفیت این را دارد که به یک کار ۱۲- ۱۰ قسمتی تبدیل شود و با توجه به ایامی که در پیش‌رو بود یعنی تقارن محرم و نوروز برنامه‌ریزی شد که ساخته شود. به هر حال «شب‌دهم» نقطه عزیمت من برای ورود به سینما بود. گو اینکه اتفاق دیگری برای آن افتاد.

موفقیت آشب‌دهم» باعث شد که سریال‌سازی را با قوت بیشتری ادامه دهید؟

بعد از شب‌دهم به‌رغم پیشنهادهای بسیاری که برای ساخت سریال داشتم باز هم فیلمنامه دیگری برای کار در سینما نوشتم. مدت‌ها روی آن کار کردم و مقدمات ساخت این فیلم در شبکه یک نیز فراهم شد. اما در آخرین لحظه دچار تردید و دودلی شدم، احساسم این بود که رضایت کافی از فیلمنامه‌ای که نوشتم ندارم. نویسنده‌ها این را خوب درک می‌کنند که وقتی خودت حس خوبی دربارهٔ کامل بودن اثر نداشته باشی اگر همه دنیا بگویند بساز، باز هم رغبتی به ساختنش پیدا نمی‌کنی. بعد از آن هم فیلمنامه‌ای به‌نام «وترین» که متعلق به دوستی بود قرار شد در حوزه بسازیم. قرارداده‌ها هم بسته شد و بعد از چند ماه فیلمنامه کامل شد. اما خیلی نظر من را جلب نکرد و اشلالاتی دیدم و قرا‌هایی با نویسنده گذاشتم که مجدداً روی متن کار شود اما چون ایشان مشغله‌های دیگری داشت عملاً این کار معوق ماند. بعد مشغول نوشتن فیلمنامه تلویزیونی به‌نام (مدار صفر درجه) شدم که در حال حاضر مشغول ساخت آن هستم. در چنین حال و هوایی بود که طرح اولیه «ازدواج به سبک ایرانی» از طرف علی معلم برای ساخت به من پیشنهاد شد.

چطور تهیه‌کننده شما را برای ساخت فیلم در نظر گرفت؟

با علی معلم رفاقت ۱۶- ۱۵ ساله دارم. در تلویزیون با هم آشنا شدیم، سال‌هایی که من تله‌تئاتر می‌ساختم و او «جنگ‌هنر» را. بعدها در چند شماره اول دنیای تصویر مسئولیت بخش تئاتر مجله را برعهده داشتم. به هر حال با کارهای من آشنا بود و طرحی به ذهنش رسیده بود که فکر می‌کرد به تعلقات خاطر من در مورد ایران و آداب و رسوم و فرهنگ نزدیک است. بنابراین خیلی آگاهانه و سنجیده این پیشنهاد شد. البته طرح با چیزی که روی پرده وجود دارد بسیار متفاوت بود. اما در خود طرح یک هسته اولیه بود که احساس کردم اگر گسترش پیدا کند و تبدیل به ظرف دراماتیکی شود می‌تواند با مظهروف‌های فکر من هم سازگار باشد.

چگونه فیلمنامه کامل شد و نقش شما در شکل‌گیری آن چه بود؟ آیا با فیلمنامه نویس در ارتباط بودید؟

قرار شد فیلمنامه را امینو فرشچی بنویسد و من مشاوره متصل و مرتب با ایشان داشته باشم. خوب‌بینخانه در همان برخورد‌های اول هم‌دیگر را جذب کردیم و توانستیم همکاری خوبی داشته باشیم. فیلمنامه پنج‌بار بازنویسی شد. از طرفی من بسیار وسواس داشتم و از طرف دیگر مینو فرشچی بسیار انگیزه داشت چه‌بسا اگر نویسنده دیگری جای ایشان بود در مراحل اولیه دیگر به همکاری ادامه نمی‌داد. ایشان با حوصله هر بار می‌نوشت و من نقطه‌نظراتم را می‌گفتم. در بعضی جلسات تهیه‌کننده هم حضور داشت و در نهایت اردیبهشت ۸۳ فیلمبرداری شروع شد و من رسماً کنار دوربین سینمای ایستادم و اولین فیلم سینمایی‌ام را کلید زدم.

این حس ساختن فیلم اول در شما وجود داشت یا فکر می‌کردید فقط دوربین برای شما عوض شده؟ در کل چه تفاوت‌هایی بین سینما و تلویزیون قائل هستید؟

سینما و تلویزیون در قائل وجود دارد که قبلاً تجربه کرده بودم و چیز تازه‌ای نبود. اما از یک جهاتی تا‌زگی داشت اینکه من در تلویزیون با دوربین ویدئو کار می‌کنم و اینجا دوربینی بود که با ناگتایو ثبت می‌شد. در تلویزیون شما با یک روانشناس فردی سر و کار دارید، مخاطبین جایی هستند و پراکنده اما در سینما با یک روانشناسی جمع می‌شوند و سر و کار دارید. در

سینما

گفت‌وگو با حسن فتحی کارگردان ازدواج به سبک ایرانی

حرف‌هایی از جنس سینما

خسرو خسروپرویز



. . . . اینها طبیعتاً بعد از مدتی پیگیری و تفکر و علاقه بخشی از ناخودآگاه شما می‌شود. بدون اینکه شما تعهدی داشته باشی و سبک‌بازانه عمل کنی. اگر هم در تلویزیون موفقیتی داشتم همین تجارت‌ثارتی بوده و به همین خاطر است که همواره تئاتر برایم محترم است و آرزومند این هستم دوباره کار تئاتر کنم.

یعنی بعد از این تخر به‌ها که انجام دادید می‌شود گفت تئاتر در اولویت کاری شما است؟

تئاتر را مادر هنری خودم می‌دانم و همان حرمتی را برایش قائلم که یک فرزند برای مادرش باید داشته باشد. وقتی که از تلویزیون به سینما آمدم تردیدی ندارم که تجاری‌به که در تلویزیون کسب کردم قطعاً در ساخت این اثر سینمایی بسیار به من کمک می‌کند. به هر حال سینما، نه تئاتر است و نه تلویزیون. یک ادویم مستقل و قائم به ذات است و من برای اینکه القبای این فیلم را بشناسم احتیاج به چند تمرین داشتم.

چه روندی را در ذهن خود ترسیم کرده بودید؟ این تمرینی که قرار بود انجام دهید چه بود؟

آگاهانه مشق سینما کردم. در تلویزیون «نسخه خطی» را ساختم که اثری در زانر کمدی بود. آن موقع اصلاً خبر نداشتم که اولین فیلم من یک کار کمدی خواهد بود. اما تردیدی ندارم که ساخت آن تله‌فیلم در پرداخت به ابعاد کمدی و طنزآمیز «ازدواج به سبک ایرانی» بسیار کمکم کرد. نوع کادر، میزاسن، ضریابهنگ و مونتاژ را همه براساس ملاحظات

جانب این گویوم که ایشان آخرین انتخاب من برای ایفای این نقش بود. ما چند کاندید داشتیم که نشد و نهایتاً به این نتیجه رسیدیم. به هر حال مقصر من نبودم که نقش شریفی‌نیا شبیه به فیلم‌های قبلی او شده است. این نگرانی و دغدغه را من داشتم که این اتفاق نیفتد. در فیلمنامه و اجرا هم سعی کردم از این شباهت فاصله بگیرد و شریفی‌نیا هم صمیمانه تمام تلاشش را کرد.

جا دارد پادی هم از مرحوم «کاظم شهبازی» فیلمبردار فیلم خود که متأسفانه نتوانست فیلم‌های اخیرری که در آن کار کرده را ببیند.

این فیلم چهارمین تجربه مشترک من با مرحوم شهبازی بود. فیلمبردار جوانی که آینده درخشانی در پیش‌رو داشت. در این فیلم بسیار با انگیزه و دلسوزانه همکاری کرد. شهبازی فقط فیلمبردار من نبود، یک دوست و هم‌کار بسیار صمیمی و خوش‌ثبت بود که از هر کمکی مضایقه می‌کرد. من نهایتاً سعی کردم که راه را اشتباه نروم. شاید در راه درست اشتباهی هم بکنیم ولی سعی کردم راه اشتباه نروم.

پس به این پیرودازیم که این چگونه گفتنی را خوب ثبت بود که از هر کمکی مضایقه می‌کرد؟ یعنی چطور مطمئن می‌شوید که برای گفتن این حرف باید از زبان سینما استفاده کنید؟

نیچه جمله‌ای دارد؛ آن کس که چپاری دارد با هر چگونه‌ای خواهد ساخت. چرا را داشتم و تردید ندارم که وقتی آمدم در سینما می‌دانستم که چه می‌خواهم بگویم. من هم مانند بقیه آدم‌ها دغدغه و تجربیات زیسته‌ای دارم که فکر می‌کنم بد نیست برای دیگران بگویم. حرف‌هایی که فکر کردم به زبان سینما می‌توانم بزنم. واقعیت این است که حتی اگر این فیلم موفق‌ترین فیلم سال شود این طور نیست که بخواهم تلویزیون و تئاتر را برای همیشه کنار بگذارم و فقط در سینما کار کنم. همه چیز بستگی به قصه‌ای دارد که به ذهن می‌آید. قصه نیز، ظرف بیانی خود را معلوم می‌کند؛ گاه تئاتر، گاه تلویزیون و گاه سینما. در قدم بعدی کدام یک پیش‌آید، نمی‌دانم.

مثلاً در این فیلم که ظرف بیانی کمدی داشت چطور دغدغه‌های فکری خود را وارد کردید؟ به طوری که تعادلی بین این دغدغه‌ها و موضوع طنزی که قرار است تماشاگر را هم بخنداند ایجاد شود، به نوعی راه رفتن لبه تیغ است.

وقتی پذیرفتم که این فیلم را بسازم دو چالش بسیار جدی با خود داشتم. چالش اول این بود که چگونه فیلمی بسازم که بعد از ساخت احساس کنم که نسبت به خودم در این فیلم وفادار بودم و چیزی به جز باورهای خودم نساختم. چالش دوم این بود که به عنوان یک کارگردان تلویزیونی وارد سینما می‌شوم و مهم بود فیلمی بسازم که مخاطب زیاد و فروش خوبی داشته باشد تا در اولین قدم مقصوم در سینما بتوانم به اهالی سینما و مخاطبان

راه‌های میان بر

می‌خواستم تماشاگر تخیل کند

روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین نیکی کریمی با فیلم «یک‌شب» میهمان کانون فیلم اصفهان در حوزه هنری اصفهان بود. گزارش محمد تجلیدی از این جلسه نمایش را که اصفهان برای ما فرستاده می‌خوانید.



مشتاقان دیدار اولین ساخته نیکی کریمی آنچنان بودند که سالن نمایش گنجشای این استقبال را نداشت و به ناچار عده‌ای از تماشا‌شای این فیلم به همراه کارگردانش چشم پوشیدند. تماشاگران بعد از نمایش فیلم ضمن تشویق نیکی کریمی در کسوت کارگردان این فیلم پرسش‌هایی را از وی مطرح کردند. نیکی کریمی در ابتدا از حضور دوباره‌اش در اصفهان ابراز خرسندی کرد و از مردم مهمان‌نواز شهر اصفهان که پس از نمایش فیلم کوتاه داشتن یا نداشتن باز هم به نمایش فیلم دیگر او آمده بودند تشکر و قدردانی کرد. زاون قوکاسیان که اداره این جلسه را برعهده داشت اولین سؤال را با این عنوان مطرح کرد که به‌رغم تفاوت فیلم‌های شما، ریشه مشترک در آنها به چشم می‌خورد که بیشتر مسئله انسان معاصر است ضمن آنکه نوعی نقد اجتماعی در آنها به چشم می‌آید. نیکی کریمی گفت: ما مجموعه‌ای از افکار متفاوت هستیم. طبیعتاً این ریشه مشترک به نگاه و ناخودآگاهم برمی‌گردد. من به ژانرهای گوناگون سینمایی علاقه دارم اما وقتی شروع به ساختن فیلم کردم متوجه شدم به آدم‌های مثل خودم می‌پردازم. طبیعتاً اتفاق‌های این فیلم هم از افکارم برآمده و در قالب سینما به این نحو شکل گرفته است. زاون قوکاسیان در پرسش دیگری این سؤال را مطرح کرد که شاید مهم‌ترین ویژگی «یک‌شب» این تنوع شخصیت‌های مرد و زن در آن است. شما وقتی مثلاً درباره شخصیتی مثل دختری تنها و بدون سرپناه صحبت می‌کنید بدون اینکه آن را کاملاً باز کنید می‌گویید او حاصل چه زندگی‌ای است اما مهم‌تر از همه نگاه عام و خاص شماست برای ارتباط با آدم‌های داستان فیلم که کاملاً احساس می‌شوند – به‌رغم اینکه داستان‌های فیلم کاملاً نمی‌شوند – سؤال و جوابی به تمامی بیان و پاسخ داده نمی‌شود. نیکی کریمی گفت: ماجرای فیلم همان است که گفتید.

راستش من از دوران نوجوانی عاشق «تاتوردشت» سلینجر بودم و وقتی «یک‌شب» را می‌نوشتم دیدم که حرکت داستان ناخودآگاه مثل «تاتوردشت» شده است. اما برای من موقعیت این آدم‌ها مهم بود. بنابراین گذاشتم این سیر ادامه پیدا کند. کاملاًش هم نکردم چراکه خواستم تماشاگر، داستان‌ها را کامل کند؛ کاری که خود خیلی دوست دارم. ابهام در فیلم هم مهم بود. مثل چشمان خود داستان که امروز فیلم‌های نو با بیانی تازه با آن تخیل کند و به نوعی درگیر شود.

در این برنامه سؤال‌های زیادی مطرح شد که نیکی کریمی به تمامی آنها پاسخ داد. زاون قوکاسیان نیز ضمن مطرح کردن این نکته که از سال قبل، نمایش «یک‌شب» در فستیوال کن آغاز شده تاکنون در برخلاف بسیاری از فیلم‌های جشنواره‌ای ایرانی که کسالت‌بازند، فیلم «یک‌شب» ریتم درونی تندی دارد. مسئله مهم دیگر این است که تا امروز این فیلم در بیست جشنواره متفاوت جهانی به نمایش درآمده که اولین آن فستیوال کن بود و آخرین آن فجر ۸۴ است؛ توفیقی نه‌چندان کوچک برای هنرپیشه‌ای توانا که امروز فیلم‌های نو با بیانی تازه می‌سازد.

اکران به آهستگی و عصر جمعه در تابستان

سینمای ما : جگهانگیر کوشری گفت: در نظر داریم «به‌آهستگی» به کارگردانی مزایار میری و «عصرجمعه» به کارگردانی مونا زندی حقیقی را برای نمایش عمومی در اواخر تیر ماه ارائه کنیم. تهیه‌کننده دو فیلم یاد شده افزود: مقدماتی را برای نمایش این دو فیلم که اولی دارای پروانه نمایش است و دومی پس از دریافت پروانه نمایش، به کارگردانیم که بعداً راه‌به کار بازی‌های جام جهانی فوتبال فصل مناسبی برای نمایش داشته باشند و توسط دفتر پخش باران، به نمایش درآیند. «به آهستگی» به کارگردانی مزایار میری چندی قبل جایزه بزرگ جشنواره فیلم فرایبورگ که هرساله در کشور سوئیس برگزار می‌شود را دریافت کرد. در این فیلم محمدمهدی فروتن، تیلورفوش خلق، حسن پورشیرازی و شاهرخ فروتنیان به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین فیلم «عصر جمعه» به کارگردانی مونا زندی حقیقی که اولین تجربه کارگردانی بلند سینمایی این فیلمبردار است و در جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول را برای این کارگردان به همراه داشت، درباره زندگی زن جوانی به نام سوگند است، که در ارتباط با پسر ۱۵ ساله‌اش دچار مسایلی و مشکلاتی می‌شود. در «عصر جمعه» رویا نونهالی، هانیة توسلی، مهرداد صدیقیان و رامین راستاد به ایفای نقش می‌پردازند.

«خانه خنجرهای پرن» در سینما فرهنگ

شرق: فیلم سینمایی «خانه خنجرهای پرن» ساخته ژانگ ییمو که از شورای نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه نمایش عمومی گرفته، به زودی در سینما فرهنگ تهران به روی پرده می‌رود. به نقل از روابط عمومی سینمای سینمایی فارابی، «امیرحسین علم‌الهدی» مدیر واحد پخش و بازاریابی این بنیاد گفت: با توجه به صحبت‌های صورت گرفته با سینما فرهنگ، این فیلم از اواخر این هفته و با اوایل هفته آینده به نمایش درمی‌آید. فیلم خنجرهای پرن» دومین فیلم خارجی اکران سال ۸۵ است که پیش از آن در بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر حضور داشت. این فیلم داستان افسر پلیسی به نام لئو را به تصویر می‌کشد که سعی می‌کند با نقشه‌ای حساب شده از اسرار سازمانی مخفی به نام خانه خنجرهای پرن آگاه شود اما قضایا خیلی پیچیده‌تر است. این فیلم محصول سال ۲۰۰۴ کشورهای چین و هنگ‌کنگ است و از حضور بازیگرانی چون کانتیرو و تاکاشی، لائوآندی و ژانگ زیی بهره می‌برد.